

## رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی «وستره جاتکه»؛ بر اساس مؤلفه‌های فعلی

راضیه موسوی خو\*

زهره زرشناس\*\*، آتوسا رستم بیک نفرشی\*\*\*

### چکیده

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی‌ست که به سه گروه مانوی، بودایی و مسیحی تقسیم می‌شود. در این پژوهش به بررسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی «وستره جاتکه» پرداخته شده است. وستره جاتکه طولانی‌ترین متن بازمانده‌ی سغدی است و نسبت به دیگر متون سبک ادبی پیشرفته‌تری دارد و به نظر می‌رسد که بیشتر تألیفی بومی و یا بازنویسی داستانی بودایی باشد و احتمال اینکه ترجمه باشد کمتر است. تاکنون پژوهشی در باب رده‌شناسی زبان سغدی بودایی صورت نگرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است، گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و انتخاب متن به شیوه‌ی هدفمند بوده است. تمام بندهای در دسترس از متن وستره جاتکه به شیوه کمی و کیفی تحلیل شده‌اند. چارچوب تحلیل، مؤلفه‌های تحلیل آرایش سازه‌ی معرفی شده در دبیرمقدم (۱۳۹۲) و درایر (۱۹۹۲) است. از میان مجموع ۲۸ مؤلفه‌ی معرفی شده در این آثار، ۱۳ مؤلفه‌ی وابسته به فعل بررسی شده‌اند. متن وستره جاتکه شامل ۴۰ فصل (برگ) به

\* دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
Humamusavi66@gmail.com

\*\* استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،  
Zzarshenas@gmail.com

\*\*\* استادیار زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،  
atoosa.rostambeik@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

سغدی بودایی بوده است که تنها ۲۹ فصل (برگ) آن به دست ما رسیده است که شامل ۱۸۰۵ بند می‌شود. ۱۸۰۵ بند بازمانده در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: کارآمدی مؤلفه‌های درایر در متون سغدی بودایی چگونه است؟ ترتیب عناصر و آرایش سازه‌های وابسته به فعل در متون سغدی بودایی به چه صورت است؟ این زبان با توجه به بررسی مؤلفه‌های فعلی متعلق به گروه زبان‌های OV است یا VO؟ هیچ زبانی به صورت صد درصد OV یا VO نیست و نتایج نشان می‌دهد که زبان سغدی بودایی هم از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. این متن بر اساس بررسی مؤلفه‌های وابسته به فعل، خصوصیات زبان OV را داراست. به لحاظ رده‌شناسی متن وستره جاتکه، گرایش به چپ‌انشعابی بودن دارد و هسته پایانی است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان سغدی بودایی، رده‌شناسی، ترتیب واژه، وستره جاتکه، فعل.

## ۱. مقدمه

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی است که در سغدیانان (Soghdiana)، منطقه‌ای در امتداد زرافشان و کشک دریا (بخشی از ازبکستان و تاجیکستان امروز) رواج داشته است. این زبان از گروه شرقی و شاخه‌ی ایرانی خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی است. تاریخ نگارش آثار بازمانده از سغدی به سده‌ی دوم تا دهم میلادی باز می‌گردد که شامل سکه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها و دست‌نوشته‌ها می‌شود. از سغدی باستان هیچ اثری باقی نمانده است و شروو (SKjaervø) تنها خط به کار رفته در تعدادی نامه‌ی باستانی کشف شده در دیوار بزرگ چین و نیز صخره‌نوشته‌های شمال پاکستان را خط آرامی سغدی باستان می‌داند (زرشناس، ۱۳۹۰: ۱۹). مابقی آثار بازمانده به دوره‌ی میانه‌ی آن تعلق دارد. اکنون، از زبان سغدی، زبان یغنابی (Yaghnobi) بازمانده است که یکی از گویش‌های زبان سغدی است و گاهی سغدی جدید نامیده می‌شود. آثار سغدی به سه گروه مانوی، بودایی و مسیحی تقسیم می‌شود چرا که رواج آیین‌های بودایی، مسیحی و مانوی در میان سغدی‌زبانان ترکستان شرقی باعث ترجمه‌ی متون مذهبی از چینی، سنسکریت، سریانی و فارسی میانه به سغدی شد. با وجود این تفاوت‌های زبان‌شناختی میان این سه خط، بسیار اندک و ناچیز است. زبان سغدی تا قرن هفتم هجری، نقش زبان میانجی را در امتداد جاده‌ی ابریشم، میان چین و غرب برعهده داشت چرا که بازرگانان سغدی نقش فعالی در بازرگانی و داد و ستد در آن دوره داشتند (زرشناس، ۱۳۹۰: ۱۳). روزگاری این زبان مهم‌ترین زبان آسیای میانه به شمار می‌رفت و حتی دامنه‌ی نفوذ آن تا چین گسترده بوده است. ولی به تدریج و با گسترش

زبان فارسی که حمایت دولت ساسانی را نیز با خود داشت و نیز رواج ترکی که محصول هجوم قبیله‌های ترک‌زبان به آسیای میانه بود، نفوذ و کارایی خود را از دست داد. در نهایت نیز با حمله‌ی اعراب به ایران و سلطه‌ی امران فارسی‌زبان در خراسان و ماوراءالنهر و رواج زبان فارسی، به صورت زبان محلی درآمد تا آنکه در حدود اواخر قرن دهم به کلی فراموش شد. آثار مکتوب سغدی به دو گروه دینی و غیر دینی تقسیم می‌شوند. بیشتر آثاری که در طول جاده‌ی ابریشم به ویژه از ناحیه‌ی تورفان (Turfān) و یکی از غارهای «هزاربودا» در دون هوانگ (Dunhuang) به دست آمده‌اند، متن‌هایی دینی‌اند که تاریخ نوشتن آنها به سده‌های هفتم تا دهم میلادی باز می‌گردد (زرشناس، ۱۳۹۰: ۱۴). متون سغدی بودایی که بزرگترین مجموعه‌ی متن‌های سغدی‌اند، بیشتر از اصل چینی به سغدی ترجمه شده‌اند و دربردارنده‌ی متن‌های کامل یا تکه تکه‌ی بودایی‌اند. مانند سوتره‌ها (Sūtra)، جاتکه‌ها (Jātaka) و متن‌های پرچنا پارمیتا (Prajñāpāramitā). مهم‌ترین آثار سغدی بودایی، دو کتاب وستره جاتکه (Vessantra Jātaka) (قریب، ۱۳۷۱) و سوتره چم (Sūtra čam) و پادافره کردار (Pādafrāh Kerdār) (Mackenzie 1970) هستند. آثار موجود سغدی بودایی در مجموعه‌های آثار سغدی بودایی به چاپ رسیده‌اند که از میان آنها می‌توان به متن‌های سغدی محفوظ در کتابخانه‌ی ملی پاریس (Textes Soghdien, ed. Benveniste 1946) و متن‌های سغدی کتابخانه‌ی بریتانیا (ترجمه‌ی زهره زرشناس، ۱۳۸۰) اشاره کرد. در مجموعه‌ی متن‌های کتابخانه‌ی ملی پاریس، چند متن غیر دینی همچون طلسم باران (قریب، ۱۳۴۸: ۲۴-۱۲) و بخشی از داستان رستم (قریب، ۱۳۵۷: ۲۴-۵۳) نیز دیده می‌شود (زرشناس، ۱۳۹۰: ۱۵).

وستره جاتکه متنی است به زبان سغدی که به خط بودایی نوشته شده است. این متن توسط دکتر بدرالزمان قریب (۱۳۷۱)، در کتاب داستان تولد بودا به روایت سغدی، ترجمه و حرف‌نویسی شد. همچنین برخی نکات صرفی و دستوری آن نیز بیان شد. پیش از این نیز بنونیست (É. Benveniste) (۱۹۴۰)، کتابی با نام وستره جاتکه را به زبان فرانسه نوشت که شامل ترجمه و برخی نکات صرفی و دستوری آن می‌شود. وستره جاتکه طولانی‌ترین متن بازمانده‌ی سغدی‌ست و نسبت به دیگر متون سبک ادبی پیشرفته‌تری دارد و به نظر می‌رسد که بیشتر تألیفی بومی و یا بازنویسی داستانی بودایی باشد و احتمال اینکه ترجمه باشد کمتر است.

در این پژوهش تلاش می‌شود که بین بررسی‌های حیطه‌ی مطالعات زبان‌های باستانی و رویکردهای تحلیلی در زبان‌شناسی پیوند ایجاد شود. یکی از رویکردهای مورد توجه در

زبان‌شناسی و به ویژه در مطالعات تاریخی، رده‌شناسی (Typology) است که در پژوهش حاضر نیز به عنوان رویکرد تحلیل انتخاب شده است. به این منظور، متن سغدی بودایی و ستره جاتکه از منظر رده‌شناسی آرایش سازه (Word order) (درایر، ۱۹۹۲ و دبیرمقدم، ۱۳۹۲) و با تمرکز بر فعل بررسی خواهد شد تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که ۱- مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب سازه، در بررسی رده‌شناختی متون سغدی بودایی تا چه اندازه کارآمد است؟ و ۲- بر اساس ترتیب عناصر و آرایش سازه‌های وابسته به فعل در متون سغدی بودایی، این زبان جزو زبان‌های فعل‌آغازی است یا فعل‌پایانی؟

## ۲. پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی در دو حیطه رده‌شناسی و زبان‌های باستانی نشان می‌دهد که در این حیطه یعنی تلفیق مطالعات زبان‌های باستانی و رده‌شناسی آرایش سازه‌ها تعداد پژوهش‌ها بسیار اندک است. البته، پژوهش‌های قابل توجهی درباره ساخت کُنایی (Ergative Construction) در زبان‌های دوره‌ی باستان و میانه انجام شده است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۹۷-۲۱۵) به شرح نظریه‌های مربوط به ساخت کُنایی در زبان‌های ایرانی پرداخته است و آثار پژوهشگران خارجی این حیطه را شرح داده است، از آنجمله می‌توان به این افراد اشاره کرد: گایگر (W. Geiger) (۱۸۹۳)، کاردونا (G. Cardona) (۱۹۷۰)، بنونیست (۱۹۷۱)، به بررسی ساخت کُنایی در زبان‌های ایرانی پرداختند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۴۸). پین (Payne J) (۱۹۷۹) در بخشی از مقاله‌ی خود با عنوان «لازم و متعدی در زبان‌های ایرانی اتحاد جماهیر شوروی»، به بررسی ساخت کُنایی در فارسی باستان می‌پردازد. پین از زبان یغناپی که یکی از زبان‌های ایرانی جدید و بازمانده‌ی یکی از گویش‌های زبان سغدی است و گاهی سغدی جدید نامیده می‌شود نیز در مقاله‌اش شواهدی آورده است که ممکن است در این بررسی سودمند باشد. نودا (K. Noda) (۱۹۸۳) نیز در مقاله‌ای به بررسی ساخت کُنایی در فارسی میانه پرداخته است. همچنین شروو (۱۹۸۵) و هیگ (G. L. Haig) (۲۰۰۸) به بررسی ساخت کُنایی در زبان‌های ایرانی پرداختند که از مباحث مهم رده‌شناسی محسوب می‌شود (همان: ۱۹۷-۲۱۵). یوگل (۲۰۱۲) (Jügel, 2012) نیز به بررسی ساخت کُنایی در زبان‌های ایرانی باستان و میانه پرداخته است. ساخت کُنایی نیز توسط پژوهشگران ایرانی در دوره‌های زمانی مختلف بررسی شده است که در ادامه صرفاً به برخی از این موارد اشاره می‌شود. تفضلی (۱۹۸۶) که در مقاله‌ای

کوتاه اما عالمانه به بررسی ساخت کنایی در زبان پهلوی و یک زبان ایرانی دیگر می‌پردازد. کلباسی (۱۳۶۷) به بررسی ارگاتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی پرداخته است. حاجیانی (۱۳۸۸) در پژوهشی تاریخی-تطبیقی ساخت فعل ارگاتیو در گویش‌های جنوب غربی ایران شامل اردکانی، دشتی، دشتکی، کلیمیان یزد و لاری را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که ارگاتیو در زبان فارسی باستان که زبانی است کاملاً صرفی، به صورت کم‌رنگ نمود داشته است اما در زبان فارسی میانه که دنباله‌ی فارسی باستان است و در آن حالات ۸ گانه‌ی صرفی از بین رفته است، دارای نقشی برجسته و آشکار است. کریمی و هاشمی (۱۳۹۱) به توصیف و بررسی ساخت کنایی در گویش دشتی پرداخته‌اند و با این هدف رفتار فاعل بندهای لازم و متعدی و مفعول در زمان حال و گذشته در این گویش را تحلیل کرده‌اند و نتیجه‌گیری کرده‌اند که این گویش از الگوی کنایی گسسته بهره می‌برد یعنی بندهای زمان حال از الگوی فاعلی-مفعولی و بندهای زمان گذشته از الگوی کنایی تبعیت می‌کنند. کریمی (۱۳۹۱) به بررسی مطابقه در نظام کنایی زبان‌های ایرانی بر پایه‌ی نظریه‌ی کمینه‌گرا پرداخته است. تفکری رضایی و امید (۱۳۹۳) پسوندهای فعلی در گویش لکی را با توجه به ساخت ارگاتیو تحلیل و بررسی کرده‌اند.

در زمینه‌ی بررسی ترتیب سازه در زبان‌های باستانی نیز پژوهش‌هایی گزارش شده است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۴۸) به پژوهش فردریک (Friedrich.P) (۱۹۷۵) اشاره کرده است. وی در اثر خود با عنوان «نحو هند و اروپایی آغازین: ترتیب عناصر معنی‌دار» به ترتیب واژه‌ها در هند و اروپایی آغازین پرداخته است و به زبان‌های یونانی هومری، ارمنی باستان، فارسی باستان، اوستایی، ایتالیک، سلتی و اسلاوی آغازین استناد کرده است. هیل (M. Hale) (۱۹۸۸) ترتیب واژه را در فارسی باستان مورد کنکاش قرار داده است و به این نکته اشاره کرده است که در بسیاری از جملات پیکره‌ی متون اوستایی و ریگ‌ودا عبارات فعلی به گونه‌ای هستند که فعل در انتهای عبارت فعلی قرار می‌گیرد و فاعلی که حالت فاعلی دارد پیش از این فعل قرار می‌گیرد. بوبنیک (V. Bubenik) (۱۹۸۹) ساخت کنایی گسسته (split ergativity) را در زبان‌های هند و ایرانی بررسی کرده است. دبیرمقدم (۲۰۰۶) معتقد است که بررسی درزمانی فارسی باستان به لحاظ ساختواژی گویای آن است که فارسی باستان و میانه یک زبان تحلیلی بوده است و فارسی نو در نتیجه‌ی ثابت کردن برخی از پارامترهای قابل انعطاف به لحاظ نحوی تابع پیکربندی نسبتاً ثابتی شده است. هم‌چنین به نتایج بررسی فارسی اشاره کرده است که نشان می‌دهد الف) با اینکه نمونه‌های زیادی وجود دارد

که تابع ترتیب مضافه الیه + مضاف است، ترتیب مضاف + مضاف الیه نیز مجاز بوده است (Kent, 1950: 95 section 309 and p. 80 section 250) (کنت، ۱۹۵۰، ص ۹۵ بخش ۳۰۹ و ص ۸۰ بخش ۲۵۰) و ب) ترتیب واژه در جمله در فارسی باستان تقریباً آزاد است، ولی ترتیب بی‌نشان و معمول هم در بند پایه و هم در بند پیرو فاعل- مفعول- فعل است؛ در عین حال، بندهای پیرو ممکن است پیش یا پس از بند اصلی قرار بگیرند (Kent, 1950: 96 section 310) (کنت ۱۹۵۰، ص ۹۶ بخش ۳۱۰). داده‌های فارسی میانه این ویژگی‌ها را نشان می‌دهد: الف) هم ترتیب اسم + صفت و صفت + اسم مشاهده شده است (هستون، ۱۹۷۶، ص ۳) (Heston, 1976: 3) و ب) هم مضاف + مضاف الیه و هم مضاف الیه + مضاف دیده می‌شود (همان: ۲۱ و ۲۲)، و ج) متداول‌ترین ترتیب واژه به گونه‌ای است که فعل در جملات متعدی و لازم در پایان قرار می‌گیرد، هر چند که ترتیب‌های متفاوت دیگری هم دیده می‌شود (برونر، ۱۹۷۷: ۱۸۰). (Bruner, 1977: 180). بر اساس این مشاهدات دبیرمقدم (همان) معتقد است که فارسی باستان، که زبانی تصریفی در نظر گرفته می‌شود، به نظر می‌رسد که اساساً زبانی با ترتیب واژه‌ی آزاد است. فارسی میانه نیز از این نظر مانند فارسی باستان است با این تفاوت که زبانی تحلیلی به شمار می‌رود. در حیطه‌ی رده‌شناسی و بررسی ترتیب سازه، پژوهش‌های گوناگونی بر روی زبان‌ها و گویش‌ها ایرانی انجام شده است. ثمره (۱۳۶۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی» به بررسی رده‌شناختی زبان فارسی پرداخته است. یوسفیان (۱۳۸۳)، در رساله‌ی دکتری خود، به توصیف رده‌شناسی زبان بلوچی پرداخت. دبیرمقدم همچنین (۱۳۹۲) در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، به بررسی رده‌شناسی زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی مانند بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، و... پرداخته است. در فصل دوم این کتاب، به بررسی رده‌شناختی زبان‌های فارسی باستان، اوستایی و فارسی میانه اشاره شده است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۳۰). در سال‌های اخیر مقالات متعددی درباره‌ی آرایش سازه‌ها یا ترتیب واژه در گویش‌های مختلف ایرانی نوشته شده است که می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: رضایی و خیرخواه (۱۳۹۴) «رده‌شناسی ترتیب واژه در گویش لری بویراحمدی»، صفایی اصل (۱۳۹۴) «رده‌شناسی ترتیب واژه در زبان آذربایجانی». حامدی شیروان، شریفی و الیاسی (۱۳۹۵) «آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی». هدایت (۱۳۹۵) نیز به بررسی مؤلفه‌های توالی واژه و هم‌بستگی آنها با توالی مفعول/فعل در گویش تاتی گیفان، بر اساس دیدگاه رده‌شناختی

درایر پرداخته است و نتیجه گرفته است که همبستگی توالی‌ها و ترتیب مفعول و فعل بر اساس دیدگاه‌های درایر به سادگی تبیین شدنی نیست.

در عین حال، در زمینه‌ی دستور زبان سغدی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. قادری (۱۳۷۵) جملات ناهم‌پایه در زبان سغدی را مورد بررسی قرار داده است. خبازی (۱۳۸۸) تأثیر متقابل زبان سغدی و ترکی بر یکدیگر را در یک سند ترکی-سغدی بررسی کرده است. الهی (۱۳۸۹) نیز کاربرد پسوندها در زبان سغدی را با زبان یغناپی مقایسه کرده است. همچنین، جلالیان چالش‌تری (۱۳۹۴) دو فعل غیرشخصی در زبان سغدی (tōž- و -nam) را در زبان سغدی بررسی کرده و در سال (۱۳۹۵) نیز به بررسی فعل تابع افعال وجهی در زبان سغدی پرداخته است.

در زمینه‌ی بررسی رده‌شناختی زبان سغدی، تنها یک اثر وجود دارد که رساله‌ی دکتری صابونچی (۱۳۹۸) است. وی در رساله‌ی خود به بررسی آرایش سازه‌های چند متن به زبان سغدی مانوی پرداخته است. به این ترتیب، بررسی پیشینه حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی در زمینه‌ی رده‌شناختی متون سغدی بودایی انجام نشده است و این پژوهش نخستین بررسی در این زمینه به‌شمار می‌آید. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق در پیوند مطالعات متون کهن با رویکردهای جدید زبان‌شناسی است که می‌تواند ابعاد تازه‌ای از متون کهن را برای ما روشن کند و چنین مطالعاتی را از انزوا خارج کند. اینگونه پژوهش‌ها باعث بوجود آمدن پیوند میان رشته‌های زبان‌های باستانی و زبان‌شناسی خواهند شد. پیوندی که خلأ آن به شدت احساس می‌شود چرا که بیشتر مطالعات و تحقیقات زبان‌های باستانی دربرگیرنده‌ی توصیف و ترجمه، ریشه‌شناسی و بررسی متون بازمانده‌ی کهن است اما در زمینه‌ی زبان‌شناسی و رده‌شناسی و رویکردهای آن، کمتر تلاشی در این زمینه صورت گرفته است.

### ۳. روش پژوهش و مبانی نظری

روش تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است و به شیوه‌ی کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین ترتیب که متن وستره جاتکه به طور کامل و با توجه به چارچوب نظری پژوهش‌های رده‌شناسی و مؤلفه‌های هسته‌محور درایر و دبیرمقدم، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای بررسی و شناخت واژگان متن، کتاب‌های فرهنگ سغدی (قریب: ۱۳۷۴) و Vesanttra Jataka (بنونیست: ۱۹۴۶) و دستنامه‌ی سغدی (زرشناس: ۱۳۹۰)

مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای تحلیل داده‌ها نیز مقاله‌ی درایر (M. Dryer) (۱۹۹۲) و کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی دبیر مقدم (۱۳۹۲) استفاده شده‌اند. برای تحلیل آرایش واژگان، از میان ۲۴ مؤلفه‌ای که دبیر مقدم در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی آورده است و همچنین ۴ مؤلفه‌ی دیگر که درایر (۱۹۹۲) در مقاله (The Greenbergian Word Order Correlations) ارائه داده، مؤلفه‌های مربوط به فعل بررسی شده‌اند. مؤلفه‌های مورد بررسی به این شرحند: ۱. توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای ۲. توالی فعل و قید حالت ۳. توالی فعل اسنادی و گزاره/مسند ۴. توالی فعل خواستن و فعل بند پیرو ۵. توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان - نمود ۶. توالی فعل و فاعل ۷. توالی وند زمان و ستاک فعل ۸. توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی در مفهوم توانستن ۹. توالی مفعول و فعل ۱۰. توالی وند منفی ساز و ستاک فعلی ۱۱. توالی ادات نفی و فعل ۱۲. توالی فعل کمکی منفی و فعل ۱۳. توالی ادات زمان - نمود با فعل.

رده‌شناسی شاخه‌ای علمی است که به دسته‌بندی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد. این شاخه‌ی مطالعاتی با عنوان رده‌شناسی زبان و رده‌شناسی زبان‌شناختی مصطلح است که به اختصار رده‌شناسی گفته می‌شود. کامری (B. Comrie)، زبان‌شناس برجسته، که یکی از مطرح‌ترین چهره‌های حوزه‌ی رده‌شناسی است، این شاخه از زبان‌شناسی را اینچنین تعریف می‌کند: «رده‌شناسی زبان را می‌توان مطالعه‌ی نظام‌مند بین زبان‌ها تعریف کرد. این تعریف این پیش‌انگاره را در خود دارد که برخی اصول کلی بر تنوع میان زبان‌ها حاکم‌اند، و من نیز به چنین انگاره‌ای قائم» (کامری، ۲۰۰۱: ۲۵). زمان پیدایش این علم به ۲۵۰ سال پیش باز می‌گردد و نخستین کسی که اصطلاح typologie 'رده‌شناسی' را برای آن به کار برد، گابلتس (H. C. Gabelentz) (۱۸۹۱/۱۹۰۱) دانشمند آلمانی مکتب نودستوریان بود و از سال ۱۹۲۸، این واژه در زبان‌شناسی مصطلح شد و رواج گسترده یافت. می‌توان جوزف گرینبرگ (Joseph Greenberg) را پدر رده‌شناسی نوین نامید. گرینبرگ دو رویکرد برای مطالعات رده‌شناختی قائل شد که عبارتند از رویکرد فردیت‌گرا (Individualizing) و رویکرد تعمیم‌گرا (Generalizing) (گرینبرگ، ۱۹۷۴: ۲۸). رویکرد فردیت‌گرا به وجود یک هویت، خصلت و وحدت انحصاری و یگانه در زبان، در گروهی از زبان‌ها یا در یک خانواده‌ی زبانی قائل است. در رویکرد عمومیت‌گرا که نقطه‌ی مقابل فردیت‌گراست، دستیابی به همگانی‌های زبانی (Language Universals)، یعنی تعمیم‌هایی قانون‌گونه مورد نظر است. در این رویکرد، سخن از دو نوع همگانی 'تلویحی' و همگانی 'نامحدود' به میان می‌آید. «بر



اساس همگانی نوع اول، اگر ساخت الف در زبانی یافت شود آنگاه می‌توان انتظار داشت ساخت ب نیز در همان زبان یافت شود. همگانی نوع دوم به ویژگی‌هایی اشاره دارد که در همه‌ی زبان‌های جهان یافت می‌شوند و هیچ زبانی نیست که این ویژگی‌ها را نداشته باشد» (همان: ۲۸ و ۲۹). «رویکرد تعمیم‌گرا، یا همان رده‌شناسی جزءگرا، دیدگاه حاکم و غالب در رده‌شناسی امروز شده است و در این زمینه آثار بی‌شماری پدید آمده است. مقایسه‌ی بین‌زبانی 'ترتیب واژه‌ها' (یا همان اصطلاح سنتی و آشنای 'ترتیب ارکان اصلی جمله' هم یکی از همین ساخت‌هایی است که در این سالها کاوش شده‌اند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۶). گرینبرگ (۱۹۶۶)، با ارائه‌ی یافته‌های تجربی خود پیرامون گروه بزرگی از زبان‌ها، رده‌شناسی آرایش واژگان را مهمترین دغدغه‌ی پژوهش‌های زبانی دانست و مطالعات در این زمینه را آغاز کرد. او نتایج مشاهدات خود را به صورت ۴۵ همگانی بیان کرد. سپس لمان (W. P. Lehmann) (۱۹۷۳) به عنوان کاشف ایده‌ی فعل عامل سازمان دهنده‌ی الگوی آرایش واژگان شناخته شد. او نخستین کسی بود که میان زبان‌های فعل‌پایانی (ov) و زبان‌های فعل‌آغازی (vo) تفاوت قائل شد. با این کار با فرض ov بودن یک زبان، می‌توان پیش‌بینی کرد که در این زبان عناصر اسمی صفات، اضافه و اصطلاحات موصولی در طرف چپ اسم و با فرض vo بودن زبان، عناصر در طرف راست اسم قرار می‌گیرند. به پیروی از لمان، ونمان (T. Vennemann) (۱۹۷۴) زبان‌ها را فعل‌پایانی و فعل‌آغازی دانست و بر آن بود که تمامی قواعد واژه‌آرایی به جایگاه نسبی فعل و مفعول بستگی دارند. وی بر اساس عبارات تلویحی گرینبرگ نظریه‌ی هسته - وابسته (Head-Dependent Theory) را مطرح کرد. در واقع وی ترتیب واژه‌ی گرینبرگ را به زبان‌های هاکینز وابسته - هسته در مقابل هسته - وابسته تقسیم کرد. هاکینز (J. A. Hawkins) (۱۹۸۳) می‌کوشد بین اصول چندگانه‌ی گرینبرگ (دارای اعتبار تجربی) و اصول ساده‌ی لمان و ونمان (فاقد اعتبار تجربی) تعادلی ایجاد کند، به همین روی از داده‌های گرینبرگ استفاده نکرد و نمونه‌ای ۳۳۶ تایی از زبان‌ها را برای بررسی انتخاب کرد. کاری که لمان و ونمان نکردند. هاکینز همچنین اصل هماهنگی بینامقوله‌ای را برای بررسی دقیق‌تر بسامد زبان‌ها مطرح نمود. اما کامری (۱۹۸۹) اصطلاح آرایش سازه‌ها را مطرح نمود و دغدغه‌ی اصلی پژوهش را در حوزه‌ی آرایش سازه‌ها دانست نه در آرایش واژگان. از آنجایی که این سازه‌ها ممکن است شامل یک یا چند واژه باشند وی اصطلاح آرایش سازه‌ها را درست‌تر خواند. در نهایت درایر در مقاله‌ی خود بر اساس بررسی آرایش واژگان ۹۲۵ زبان، برخی از ادعاها درباره‌ی آرایش واژگان را پذیرفت

و برخی فرضیات پذیرفته شده را نیز رد کرد. درایر نظریه‌ی سوی انشعاب (Branching Direction Construction) را مطرح کرد. بر اساس این نظریه، سازه‌های هم‌الگو با فعل مقوله‌های غیر گروهی (غیر انشعابی یا واژگانی) و سازه‌های هم‌الگو با مفعول مقوله‌های گروهی (انشعابی) می‌باشند. بر این اساس زبان‌های راست انشعابی (Branching Right) تمایل به قرار گرفتن مقوله‌های گروهی پس از مقوله‌های غیر گروهی دارند و زبان‌های چپ انشعابی (Left Branching) به صورت برعکس دیده می‌شوند. (دبیرمقدم، ۱۳۹۴: ۱۲۲) درباره‌ی همبستگی بین مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه درایر (۱۹۹۲) در مقاله‌ی خود با نام «همبستگی‌های ترتیب واژه‌ی گرینبرگی» (The Greenbergian Word Order Correlations) وجود همبستگی بین ترتیب فعل و مفعول از یک سو و ترتیب جفت‌های خاصی از عناصر دستوری از سوی دیگر را مورد بحث قرار داده است. برای اشاره به این جفت‌ها از اصطلاح جفت‌های همبستگی (Correlations Pair) استفاده کرده است و آنها را به شکل زیر تعریف کرده: اگر توالی یک جفت عنصر  $x$  و  $y$  به ترتیب با توالی فعل و مفعول همبستگی نشان دهد آن گاه جفت  $x$  و  $y$  جفت‌های همبستگی خوانده می‌شوند. در این جفت همبستگی  $x$  هم‌الگو با  $y$  و  $y$  هم‌الگو با  $x$  دانسته می‌شود. به عنوان نمونه از آنجایی که زبان‌های (OV) تمایل به پس‌اضافه بودن و زبان‌های (VO) تمایل به پیش‌اضافه بودن دارند می‌توان گفت که جفت حرف اضافه و گروه اسمی یک جفت همبستگی است و بر اساس این جفت حروف اضافه هم‌الگو با فعل  $x$  و گروه‌های اسمی همراهان حروف اضافه هم‌الگو با مفعول  $y$  می‌باشند شایسته ذکر است که درایر در مقاله‌ی یاد شده ۲۳ جفت همبستگی به دست داده است و برای هر مورد جفت همبستگی یک جزء جدول مستقل ارائه کرده است.

۱. جدول زیر نشان دهنده‌ی جفت‌های همبستگی است که بر اساس جدول ۳۹ درایر تنظیم شده است.

جدول ۳-۱ جفت‌های همبستگی

هم‌الگو با مفعول	هم‌الگو با فعل	
مفعول	فعل	۱
فاعل	فعل	۲
عبارت اسمی	حرف اضافه	۳

گزاره	فعل ربطی	۴
عبارت فعلی	فعل خواستن	۵
عبارت فعلی	فعل کمکی زمان - نمود	۶
عبارت فعلی	فعل کمکی منفی	۷
جمله	متمم ساز	۸
جمله	ادات پرسشی	۹
جمله	پیرو ساز قیدی	۱۰
اسم	حرف تعریف	۱۱
اسم	اسم جمع ساز	۱۲
مضافه الیه	اسم	۱۳
بند موصولی	اسم	۱۴
مبنای مقایسه	صفت	۱۵
گروه حرف اضافه‌ای	فعل	۱۶
قید حالت	فعل	۱۷

۲. جدول زیر نشان دهنده‌ی جفت‌های غیرهمبستگی است که بر اساس جدول ۴۰ درایر (۱۹۹۲) تنظیم شده است.

جدول ۲-۳ جفت‌های غیر همبستگی

هسته	وابسته	
اسم	صفت	۱
اسم	صفت اشاره	۲
صفت	قید مقدار	۳
فعل	ادات نفی	۴
فعل	ادات بازنمای نمود/زمان	۵

#### ۴. تحلیل داده‌ها

همانطور که پیشتر اشاره شد برای تحلیل آرایش واژه‌ها در متون سغدی بودایی، ۱۳ مؤلفه‌ی فعلی در این مقاله بررسی شده‌اند. یافته‌ها به این شرحند:

#### ۱.۴ توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای (مؤلفه‌ی ۵، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وسستره جاتکه، گروه حرف اضافه‌ای هم پیش از فعل آمده است و هم پس از آن. در مجموع ۴۱۷ مورد از توالی فعل و گروه حرف اضافه در پیکره‌ی مورد بررسی یافت شد. پس از تحلیل، مشخص شد که در ۱۰۰ مورد گروه حروف اضافه‌ای، پس از فعل و در ۳۱۷ مورد دیگر پیش از فعل آمده است. نتایج در نمودار ۱ نمایش داده شده است و دو مثال از موارد مشاهده شده نیز ارائه می‌گردد.

- گروه حرف اضافه‌ای و فعل (Pp\_V)

1- čnn ywyr βyY ZY 'βt čynt'm'n rtny nyzy.

Pp

V

بیرون شد گوهر چیتامن هفت خورشید خدای از  
ترجمه نمونه ۱: از خدای خورشید هفت چراغ چیتامن (شب چراغ) بیرون شد.

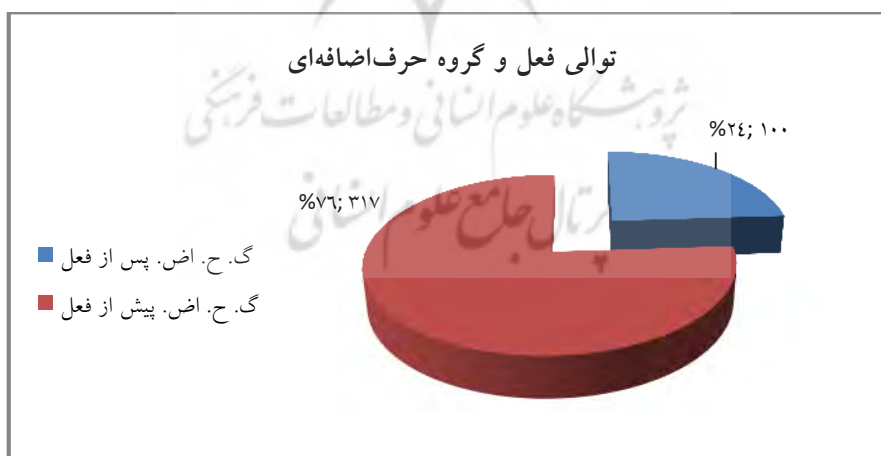
- فعل و گروه حرف اضافه‌ای (V\_Pp)

2- rtyšw pts'r Ywn'yδ zyw'rt 'kw' š'ykn s'r.

V

Pp

سوی قصر به بازگشت فوراً در نتیجه او پس  
ترجمه نمونه ۲: پس فوراً به قصر بازگشت.



نمودار ۱- توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای

#### ۲.۴ توالی فعل و قید حالت (مؤلفه‌ی ۶، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در این متن قید حالت هم پیش از فعل آمده است و هم پس از آن، اما بیشتر گرایش دارد که پیش از فعل بیاید. در مجموع ۱۳۱ مورد از توالی فعل و قید حالت در پیکره‌ی مورد بررسی یافت شد. پس از تحلیل، مشخص شد که در ۲۱ مورد قید حالت، پس از فعل و در ۱۱۰ مورد دیگر پیش از فعل آمده است. نتایج در نمودار ۲ نمایش داده و ۲ نمونه نیز ارائه شده است.

- قید حالت و فعل (Adv\_V)

3- 'PZY z'ry r't.

Adv V

گریست به زاری و

ترجمه نمونه ۳: و به زاری گریست.

- فعل و قید حالت (V\_Adv)

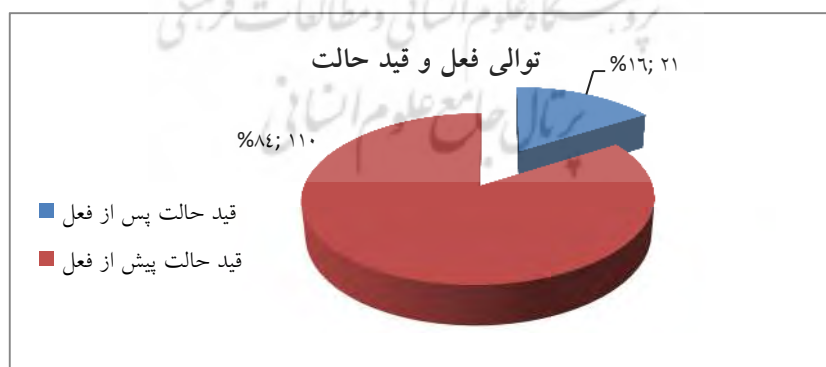
4- rty ZKH wytr'nt pr RβK ptβyw 'kw knδh s'r.

V Adv

سوی شهر به شکوه بسیار با راهی شدند حرف تعرف و

ترجمه نمونه ۴: و با شکوه بسیاری راهی شهر شدند.

از ترکیب حرف اضافه‌ی پیشایند pr و موصوف و صفت RβK ptβyw یک گروه حرف اضافه‌ای درست شده که به جای قید حالت به کار رفته است.



نمودار ۲- توالی فعل و قید حالت

### ۳.۴ توالی فعل اسنادی و گزاره / مسند (مؤلفه‌ی ۷، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

فعل‌های اسنادی به کار رفته در متن، از ماده‌های kar\_, βw\_, x\_, əskw\_, šaw\_, prw'st\_ است و در مجموع ۹۴ مورد رخداد فعل اسنادی و مسند در متن یافت شد. مسند به جز یک مورد، در ۹۳ مورد پیش از فعل اسنادی آمده است. نتیجه در نمودار ۳ به نمایش در آمده و ۳ نمونه از موارد مشاهده شده نیز ارائه می‌گردد. در عین حال، فعل ربطی nyst که از ترکیب ادات نفی و مضارع سوم شخص مفرد ماده‌ی ah\_ ساخته شده است نیز در پیکره مشاهده شد.

- مسند و فعل ربطی (Pred\_Cop)

5- rty 'Yw k'dy wYšy 'β'.

Pred Cop

شد شاد بسیار او پس

ترجمه نمونه ۵: پس او بسیار شاد شد.

- فعل ربطی و مسند (Cop\_Pred)

6- rty βn z't'tty 'krty ZKH ''z'tčh βy'n'yk vı'ymh δ'yh ZY βnty.

Cop

Pred

بنده و کنیز شخص خدای وار آزاد حرف تعریف شده ای فرزندان شما و ترجمه نمونه ۶: ای فرزندان! شخص آزاد و خدای وار شما بنده و کنیز شده است.

- مسند و فعل ربطی منقی (Pred\_NegCop)

7- p'rzy βy' prm βwmh ''δ'k nws'k nyst.

Pred NegCop

نیست جاودان کسی زمین بر این ای خداوند زیرا

ترجمه نمونه ۷: زیرا که ای خداوند! بر این زمین کسی جاودان نیست.



نمودار ۳- توالی مسند و فعل ربطی

#### ۴.۴ توالی فعل «خواستن» و فعل بند پیرو (مؤلفه‌ی ۸، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وستره جاتکه، برای این مؤلفه موردی یافت نشد.

#### ۵.۴ توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان- نمود (مؤلفه‌ی ۱۲، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وستره جاتکه، در مجموع ۱۸۶ بار افعال کمکی -Kwn (انجام دادن، کردن)، wn (انجام دادن، کردن)، δ'r (داشتن)، βw (بودن، شدن)، skw (ماندن، بودن)، x- (بودن)، əkr- (شدن)، به کار رفته‌اند که همواره (۱۰۰ درصد موارد) این افعال کمکی پس از فعل اصلی آمده‌اند.

- فعل اصلی و فعل کمکی (V\_AV)

8-pr'w KZNH 'PZY 'py'rh ywβnw wytw δ'r'm  
V AV

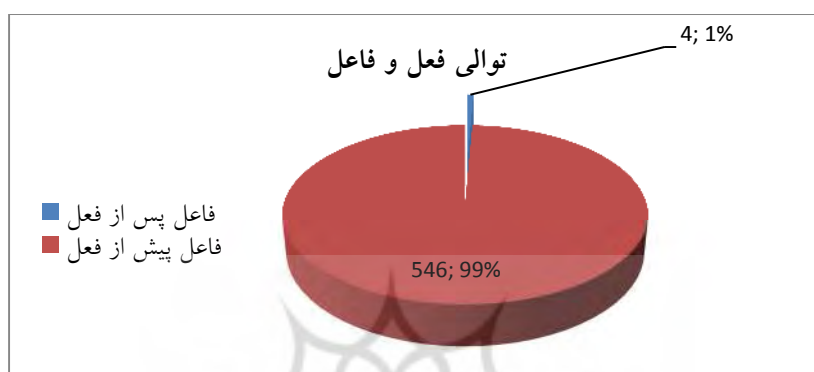
ام دیده خواب دیشب و چنین درباره‌ی آن

ترجمه نمونه ۸: و درباره‌ی آن دیشب چنین خواب دیده‌ام.

Wytw δ'r'm (فعل ماضی نقلی متعدی) است که از بن ماضی Wytw\_ به همراه صرف مضارع فعل کمکی δ'r ساخته شده است.

### ۶.۴ توالی فعل و فاعل (مؤلفه‌ی ۱۶، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وسستره جاتکه، ۵۵۰ مورد کاربرد فعل و فاعل دیده شد که در ۵۴۶ مورد، فاعل پیش از فعل آمده است. و تنها در ۴ مورد فاعل پس از فعل آمده است. نتیجه در نمودار ۴ قابل مشاهده است.



نمودار ۴- توالی فعل و فاعل

- فاعل و فعل (Sub\_V)

9- rty 'yw ywt'w KZNH 'prs'...

Sub V

پرسید چنین شاه حرف تعریف پس

ترجمه نمونه ۹: پس شاه چنین پرسید.

- فعل و فاعل (V\_Sub)

10- 'kōry 'škrt'y 'skwn 'yw ykšy pr''mn 'yw δywδ't 'pw z'ry.

V Sub

بی‌رحم دیوصفت حرف تعریف برهمن جن سرشت حرف تعریف همراه می‌برد اکنون  
ترجمه نمونه ۱۰: اکنون برهمنی جن سرشت و دیو صفت و بی‌رحم شما را همراه

می‌برد.



#### ۷.۴ توالی وند زمان \_ نمود و ستاک فعل (مؤلفه‌ی ۱۸، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در پیکره‌ی پژوهش، در ۵۹۴ مورد یافت شده، شناسه‌ها که نمایانگر زمان-نمود در فعل‌اند همواره پس از ستاک آمده‌اند.

- ستاک فعل و وند زمان-نمود (Stem\_ Encl)

11- 'krt                    = 'ym.  
Stem                        = Encl 1s.

ترجمه نمونه ۱۱: شدم.

12- δβr                    =ty  
Stem                        =Encl 3pl.

ترجمه نمونه ۱۲: بخشید.

#### ۸.۴ توالی فعل اصلی و فعل (های) کمکی در مفهوم «توانستن» (مؤلفه‌ی ۲۰، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در واژگان زبان سغدی فعلی با مفهوم «توانستن» وجود ندارد. برای جبران این کمبود واژگانی، از ساختار توانشی استفاده می‌شود. ساختار توانشی برای افعال لازم و متعدی به دو صورت زیر ساخته می‌شود. یک) فعل متعدی: بن ماضی فعل + صرف فعل کمکی wn\_، به معنای «انجام دادن، کردن»، که این ساختار معلوم است. دو) فعل لازم/ مجهول: بن ماضی + صرف فعل کمکی βw\_ به معنای «شدن» که این ساختار مجهول است. در متن وستره جاتکه، ۹ بار کاربرد ساختار توانشی دیده می‌شود و در همه‌ی موارد (۱۰۰ درصد) فعل کمکی «توانستن» پیش از فعل اصلی آمده است.

- فعل اصلی و فعل کمکی (V\_ AV)

13- 'yw      swδ''šn      ZKw      δβ'r       $\frac{\delta\beta'tt}{V}$        $\frac{kwn'...}{AV}$

توانست بدهد هدیه‌اش را حرف تعریف سوداشن حرف تعریف

ترجمه نمونه ۱۳: سوداشن توانست هدیه‌اش را بدهد.

۹.۴ توالی مفعول و فعل (مفعول پیش از فعل می‌آید یا پس از آن؟) (مؤلفه‌ی ۲۳، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در مجموع ۵۷۲ مورد از توالی فعل و مفعول در پیکره‌ی مورد بررسی یافت شد. پس از تحلیل، مشخص شد که در ۵۶۸ مورد مفعول، پیش از فعل و تنها در ۴ مورد پس از فعل آمده است. نتایج در نمودار ۵ نمایش داده شده است.

- مفعول و فعل (O-V)

14- rtyšy prβ'yr.  
O V

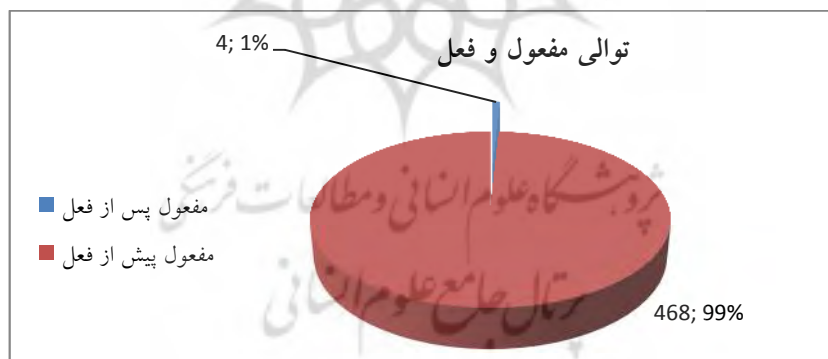
بیان کن آنرا پس

ترجمه نمونه ۱۴: پس آن را بیان کن.

- فعل و مفعول (V\_O)

15- rty my 'yw 'βy' ywt'w ymy'n wytw δ'rt 'kw tntk yrw s'r.  
V O

سوی کوه دندرک به فرستاده است تنبیه شاه پدر حرف تعریف مرا و ترجمه نمونه ۱۵: و پدرم شاه شیوی مرا به تنبیه به کوه دندرک فرستاده است.



نمودار ۵- توالی مفعول و فعل

۱۰.۴ توالی وند منفی ساز و ستاک فعلی (مؤلفه‌ی ۲۴، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وسستره جاتکه برای این مؤلفه مصداقی یافت نشد.

#### ۱۱.۴ توالی ادات نفی و فعل (مؤلفه‌ی ۲۵، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وستره جاتکه، ادات نفی ۹۳ بار به کار رفته و همواره (۱۰۰ درصد موارد) پیش از فعل آمده است. ادات نفی در سغدی l' است.

- ادات نفی و فعل (Neg\_V)

16- rty m'yw 'nyw δβ'r l' ywt.

Neg V

نیاز نیست هدیه دیگر مارا و

ترجمه نمونه ۱۶: و ما را به هدیه‌ی دیگر نیازی نیست.

17-...pyδ'n ywt'w l' βyš' k'm.

ستاک فعلی وند منفی ساز

ادات آینده خواهی بخشید نه شاه پیلان

ترجمه نمونه ۱۷: شاه پیلان را نخواهی بخشید.

#### ۱۲.۴ توالی فعل کمکی منفی و فعل (مؤلفه‌ی ۲۶، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

برای این مؤلفه، مصداقی یافت نشد.

#### ۱۳.۴ توالی ادات زمان \_ نمود با فعل (مؤلفه‌ی ۲۸، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وستره جاتکه سه ادات فعلی skwn که بازنمای نمود استمرار و k'm که نمایانگر نمود آینده است و əštn که استمراری‌ساز است به کار رفته است. در پیکره‌ی متن، در مجموع ۹۶ مورد ادات نمود یافت شد که در همهی موارد (۱۰۰ درصد) این ادات پس از فعل آمده‌اند.

ادات زمان \_ نمود و فعل (T/APrtc-V)

18- rty WR kws kws βv'n'yk čntn βwδδh swys'y 'skwn.

V T/APrtc

ادات استمراری می‌سوخت با بوی خوش صندل خدای وار به هر گوشه در آنجا و

ترجمه نمونه ۱۸: و در آنجا صندل خدای وار به هر گوشه می‌سوخت.

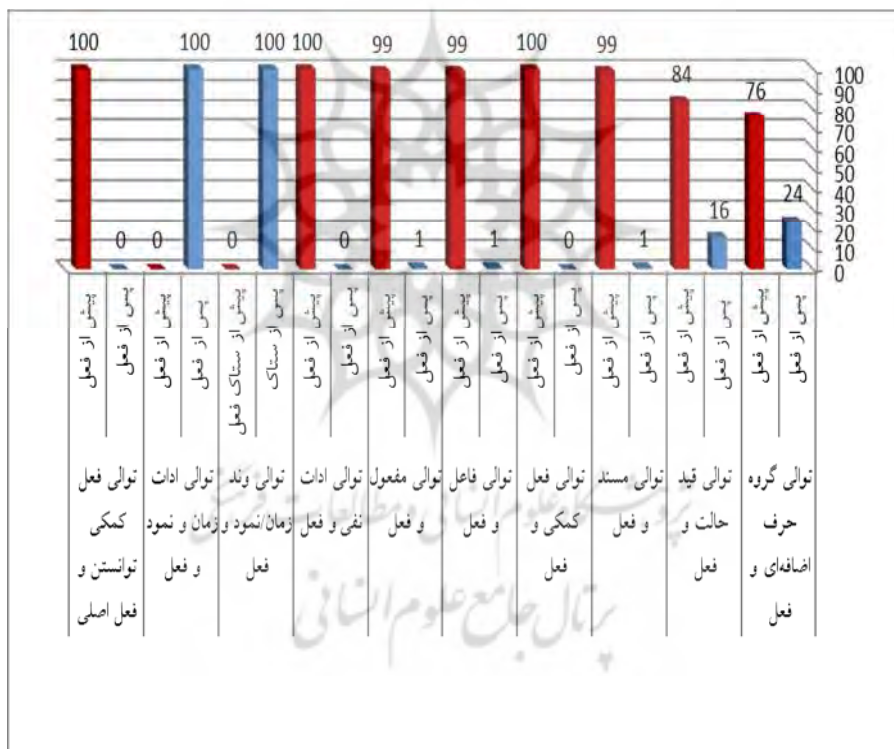
19- rty 'yw z'tk pmywnt'k βwt k'm.

V T/Aprt

خواهد بود فرخنده پسر آن و

ترجمه نمونه ۱۹: و آن پسر فرخنده خواهد بود.

به این ترتیب، پس از بررسی ۱۳ مؤلفه‌ی وابسته به فعل مشخص شد که به غیر از سه مؤلفه شامل «توالی فعل خواستن و بند پیرو»؛ «توالی وند منفی ساز و ستاک فعلی»؛ و «توالی فعل کمکی منفی و فعل» که نمونه‌ای از آن‌ها در پیکره‌ی مورد بررسی مشاهده نشد، سایر مؤلفه‌ها در متن مورد بررسی مورد تحلیل قرار گرفتند. در نمودار ۶ درصد رخداد عناصر در هر مؤلفه در جایگاه پیش یا پس از فعل نشان داده شده است.



نمودار ۶- درصد رخداد عناصر مؤلفه‌های مورد بررسی در جایگاه پیش یا پس از فعل

## ۵. نتیجه‌گیری

متن «وستتره جاتکه» یا داستان تولد بودا، روایتی ست سغدی از داستان تولد سوداشن و شرح تلاش‌ها و بخشندگی‌های وی برای رسیدن به مقام بودا که منجر به تبعید وی به کوه دندرک از سوی پدرش شاه شیوی شد. وستتره جاتکه به زبان سغدی بودایی نوشته شده است و از آنجایی که طولانی‌ترین متن بازمانده‌ی سغدی ست و نسبت به دیگر متون سبک ادبی پیشرفته‌تری دارد و نیز از آنجا که به نظر می‌رسد بیشتر تألیفی بومی و یا بازنویسی داستانی بودایی باشد و احتمال اینکه ترجمه باشد کمتر است، برای پژوهش رده‌شناسی زبان سغدی بودایی انتخاب شد. در این پژوهش، رده‌شناسی آرایش سازه متن بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسته (HDT) و نظریه‌ی جهت انشعاب (BDT) درایر (۱۹۹۲) و الگوی بررسی آرایش سازه دبیرمقدم (۱۳۹۲) انجام گرفته است. بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسته (HDT)، سازه‌ی هم الگو با فعل، هسته و سازه‌ی هم الگو با مفعول، وابسته خوانده می‌شود. پس در زبان‌های *vo* آرایش سازه‌ی هسته\_وابسته و در زبان‌های *ov* آرایش سازه‌ی وابسته\_هسته‌ای حاکم است و نیز بر مبنای نظریه‌ی جهت انشعاب (BDT) برای زبان‌های گوناگون می‌توان دو وضعیت را متصور شد: راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی. برای بررسی آرایش سازه‌های متن وستتره جاتکه تنها ۱۳ مؤلفه‌ی فعلی از میان ۲۸ مؤلفه‌ی درایر مبنا قرار گرفت. از این میان، سه مؤلفه‌ی «توالی فعل خواستن و بند پیرو»؛ «توالی وند منفی ساز و ستاک فعلی»؛ و «توالی فعل کمکی منفی و فعل» در پیکره‌ی مورد بررسی رخدادی نداشتند و ترتیب عناصر در ۱۰ مؤلفه تحلیل شدند. همانطور که در نمودار ۶ نیز نشان داده شده است، در متن وستتره جاتکه، گروه حرف اضافه‌ای در ۱۰۰ مورد (۲۴٪)، پس از فعل و در ۳۱۷ مورد دیگر (۷۶٪) پیش از فعل آمده است. از ۱۳۱ قید حالت موجود در پیکره، در ۱۲۰ مورد، برابر با (۸۴٪) قید حالت پیش از فعل و در ۲۱ مورد برابر با (۱۶٪) پس از فعل رخداد داشته است. بررسی مسند/گزاره به جز یک مورد (۱٪)، همواره پیش از فعل اسنادی (۹۹٪) آمده است. افعال کمکی همواره پس از فعل اصلی آمده‌اند. فاعل و مفعول به جز در چهار مورد (۱٪)، در باقی موارد پیش از فعل (۹۹٪) آمده است. فعل کمکی با مفهوم «توانستن» همواره پیش از فعل اصلی آمده است. ادات نفی همواره پیش از فعل آمده است. وند زمان-نمود که در قالب شناسه‌های فعل تحلیل شده‌اند، و ادات زمان-نمود همواره یعنی در ۱۰۰ درصد موارد پس از فعل قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، می‌توان گفت که زبان سغدی بودایی بر اساس بررسی رده‌شناختی متن مذکور، از دسته‌ی زبان‌های *ov* است.

## کتاب‌نامه

- الهی، مستانه (۱۳۸۹). «کاربرد پسوندها در زبان سغدی و سنجش آن با زبان یغنایی»، پیام باستان، دوره ۷، شماره ۱۳، صص. ۱۰۷-۱۱۶.
- تفکری رضایی، شجاع؛ امیدی، عباس (۱۳۹۳). «پسوندهای فعلی در گویش لکی: ساخت ارگتیو، مطابقت فاعلی یا ضمیر پیوسته؟»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۴، شماره ۱، صص. ۳۷-۵۵.
- ثمره، یدالله (۱۳۶۹). «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی»، مجله زیاتشناسی، سال ۷، شماره ۱، صص ۶۱-۸۰.
- جلالیان چالشری، محمد حسن (۱۳۹۴). «*nam-* و *rēž-* دو فعل غیر شخصی در زبان سغدی»، زبان‌شناخت، سال ۶، شماره ۱، صص. ۶۴-۴۹.
- جلالیان چالشری، محمد حسن (۱۳۹۵). «فعل تابع افعال وجهی در زبان سغدی»، جستارهای زبانی، شماره ۳۱، صص. ۵۵-۶۸.
- حاجبانی، فرخ (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی و تاریخی ساخت فعل ارگاتیو در گویش‌های اردکانی، دشتی، دشتکی، کلیمیان یزد و لاری»، آموزش مهارت‌های زبان، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۲۱-۴۰.
- حامدی شیروان، زهرا؛ شریفی، شهلا؛ الیاسی، محمود (۱۳۹۵). «آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی»، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۴، شماره ۱۱، صص ۱-۳۲.
- خبازی، لیلی (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر متقابل زبان سغدی و ترکی بر یکدیگر در یک سند ترکی-سغدی»، نشریه‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۲، شماره ۲۱۱، صص. ۶۳-۸۰.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان، تهران: امیر کبیر.
- رضای والی، خیرخواه محمد (۱۳۹۴). «رده‌شناسی ترتیب واژه در گویش لری بویراحمادی»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران، شماره ۱۰، صص ۴۱-۵۸.
- زرشناس، زهره (۱۳۹۰). دستنامه‌ی سغدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفایی اصل، اسماعیل (۱۳۹۴). «رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان آذربایجانی»، نشریه پژوهش‌های زیاتشناسی تطبیقی، سال ۵، شماره ۹، صص ۱۶۳-۱۸۴.
- قادری، تیمور. (۱۳۷۵). «جملات ناهم‌پایه در زبان سغدی»، فرهنگ، ۱۳۷۵، شماره ۱۷، صص. ۳۱۱-۳۱۶.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۴). فرهنگ سغدی، تهران: فرهنگیان.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۸۳). روایتی از تولد بودا (متن سغدی و سستره جاتکه)، تهران: اسطوره.
- کریمی، یادگار (۱۳۹۱). «مطابقه در نظام کنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه بست و وند الف»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۷، صص. ۱-۱۸.
- کریمی، یادگار؛ هاشمی، معصومه (۱۳۹۱). «ساخت کنایی در گویش دشتی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۳-۳۶.

رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی «وستره جاتکه» ... ۲۳

کلباسی، ایران (۱۳۶۷). «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، *زبان‌شناسی*، دوره ۵، شماره ۲، صص. ۸۷-۷۰

هدایت، ندا (۱۳۹۵). «بررسی مؤلفه‌های توالی واژه و هم‌بستگی آنها با توالی مفعول/ فعل در گویش تاتی گیغان، براساس دیدگاه رده‌شناختی درایر»، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۷۷-۱۹۶.

یوسفیان، پاکزاد (۱۳۸۳). *توصیف رده‌شناسی زبان بلوچی*، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان.

Benveniste, Émile (1946). *Vesantia jātaka*, Text Sogdien, Édité, Traduit et Commenté.

Benveniste, Émile 1952: "La construction passive du parfait transitif." In: *Bulletin de la Société de linguistique de Paris* 48, pp. 52-62.

Brunner, C. J. (1977). *A syntax of western Middle Iranian* (No. 3). Caravan Books. Delmar, New York.

Bubenik, V. (1989). An interpretation of split ergativity in Indo-Iranian languages. *Diachronica*, 6(2), 181-212.

Cardona, G. (1970). The Indo-Iranian construction mana (mama) krtam. *Language*, 1-12.

Dabir-Moghaddam, M. (2006). Internal and external forces in typology: Evidence from Iranian languages. *Journal of Universal Language*, 7(1), 29-47.

Dryer, M. S. (1992). "The Greenbergian Word Order Correlations." In: *Language*, Vol.68, No.1. pp.81-138.

Dryer, M. S. (1997). "On The Six-Way Word Order Typology". In *Studies in Language* Vol.21, pp. 69-103.

Elahi, M. (2010). Brief Survey Of Grammatical Feature In Khawrazmian Language And Compared With Soghdian Language. in *PAYAM-E BASTANSHENAS*, Vol.7(13), 117-134.

Friedrich, P. (1975). *Proto-Indo-European syntax: The order of meaningful elements* (No. 1). Journal of Indo-European studies.

Geiger, W. (1893). "Die Passivconstruction des Präteritums transitiver Verba im Iranischen." In: Ernst KUHN (ed.): *Festgruß an Rudolf Roth*. Stuttgart: Kohlhammer, pp. 1-5.

Greenberg, J. H. (1974). *Language Typology: A Historical and Analytic Overview*. The Hague, Paris: Mouton.

Haig, G. L. (2008). *Alignment change in Iranian languages: A construction grammar approach* (Vol. 37). Walter de Gruyter.

Hajiani, F. (2019). An etymological exploration and dissection of Sogdian loanwords in Modern Persian. *International Journal of Language Studies*, 13(3).

Hale, M. (1988). Old Persian word order. *Indo-Iranian Journal*, 31(1), 27-40.

Heston, W. L. (1977). *Selected Problems In Fifth To Tenth-Century Iranian Syntax*. Unpublished doctoral dissertation, University of Pennsylvania.

- Jügel, T. (2012). *Die Entwicklung der Ergativkonstruktion im Alt-und Mitteliranischen– Eine korpusbasierte Untersuchung zu Kasus, Kongruenz und Satzbau [The Development of the Ergative Construction in Old and Middle Iranian: A Corpus-Based Approach]* (Doctoral dissertation, Goethe University Frankfurt).
- Kent, R. G. (1950). *Old persian: Grammar. Texts. Lexicon*. American Oriental Society.
- Noda, K. (1983). Ergativity in Middle Persian. *GENGO KENKYU (Journal of the Linguistic Society of Japan)*, 1983(84), 105-125.
- Payne, J. R. (1979, April). Transitivity and intransitivity in the Iranian languages of the USSR. In *The Elements: A parasession on linguistic Units and Levels Including Papers from the Conference on Non-Slavic Languages of the USSR* (pp. 20-21).

